

Analytical investigation of the causes, consequences and solutions of smuggling: an approach to resistance economy policies

Mohammad Zaman Rostami^{*}

Mohammad Hadi Rostami^{**}

Elham Momeni^{***}

Abstract

The phenomenon of commodity smuggling, as one of the structural challenges of Iran's economy, originates from policy and legislative inefficiencies, underdevelopment of border regions, and economic disruptions. This study, using the grounded theory method and interviews with 20 experts from the Headquarters for Combating Commodity and Currency Smuggling, addresses three key questions: What are the root causes of smuggling? What are its economic consequences? And what are the effective countermeasures? The findings indicate that policy failures, weak border infrastructure, trade barriers, and investment challenges are the four key factors contributing to the persistence of smuggling. Its consequences include capital flight, weakening of domestic production, decline in tax revenues, and expansion of informal economic activities. Based on the analyses, the article proposes effective strategies aligned with the Resistance Economy policies, including sustainable and integrated border development, reforming the tariff system, facilitating legal trade, and utilizing smart monitoring technologies. The article concludes that confronting smuggling requires a systemic approach, redesign of trade policies, and enhanced transparency in the economic system.

Keywords

goods and currency smuggling, resistance economy, national production, unemployment, technology management.

JEL Classification: E26, O17, J46

* Associate Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economics and Management, University of Qom, Qom, Iran/ Corresponding Author (mzrostami1962@gmail.com).

** Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Faculty of Islamic Sciences and Research, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran (h.rostami123@yahoo.com).

*** M.A. Graduate of Economics, University of Qom (emomeni1396@gmail.com).

پیامدهای حقوقی و اقتصادی قاچاق کالا (ارائه راهکارهای قانونی مبتنی بر اقتصاد مقاومتی)

محمدزمان رستمی*
محمدهادی رستمی**
الهام مؤمنی***

چکیده

پدیده قاچاق کالا به عنوان یکی از چالش‌های ساختاری اقتصاد ایران، ریشه در ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین، توسعه نیافتگی مناطق مرزی و اختلالات اقتصادی دارد. مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیان و انجام مصاحبه با بیست نفر از نخبگان ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، سه پرسش کلیدی را دنبال می‌کند: علل اصلی قاچاق چیست؟ آثار اقتصادی آن کدام است؟ راهکارهای مقابله با آن چیست؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌ها، ضعف زیرساخت‌های مرزی، موانع تجاری و مشکلات سرمایه‌گذاری، چهار متغیر محوری در پایداری این پدیده‌اند. پیامدهای آن نیز شامل افزایش فرار سرمایه، تضعیف تولید داخلی، کاهش درآمدهای مالیاتی و گسترش فعالیت‌های غیررسمی است. بر پایه تحلیل‌های انجام‌شده، توسعه پایدار و جامع مناطق مرزی، اصلاح نظام تعرفه‌ای، تسهیل تجارت رسمی و بهره‌گیری از فناوری‌های نظارتی هوشمند، به عنوان راهبردهای مؤثر، در هماهنگی کامل با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پیشنهاد می‌گردد. مقاله پیش رو نتیجه می‌گیرد که مقابله با قاچاق، نیازمند نگاهی سیستمی، بازآفرینی سیاست‌های تجاری و افزایش شفافیت در نظام اقتصادی است.

واژگان کلیدی

قاچاق کالا و ارز، اقتصاد مقاومتی، تولید ملی، بیکاری، مدیریت تکنولوژی.

طبقه‌بندی JEL: E26, O17, J46

* دانشیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه قم، قم، ایران/ نویسنده مسئول
(mzrostami1962@gmail.com).

** استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قم
قزوین، ایران (h.rostami123@yahoo.com).

*** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد دانشگاه قم (emomeni1396@gmail.com).

مقدمه

تغییرات (درصد)	مقدار	واحد	
۱۰	۶۶	میلیارد دلار	واردات رسمی
۹	۵۰	میلیارد دلار	صادرات غیرنفتی
۱	۱۱۶	میلیارد دلار	کل مبادلات تجاری غیرنفتی
۲/۶	۱۵۳	میلیارد دلار	کل مبادلات تجاری
۵۳	۲۴۷۰۰۰	میلیارد تومان	درآمد گمرکی
	۲۰-۱۲	میلیارد دلار	قاچاق ورودی
	۵۳	میلیارد دلار	قاچاق خروجی
	۲۵-۱۵	میلیارد دلار	حجم قاچاق
۳۷	۵۰۰۰	همت	کل بودجه کشور
دفتر برنامه‌ریزی، بودجه و آمار ستاد مبارزه با قاچاق			

جدول شماره ۱: مقایسه مبادلات اقتصاد رسمی و برآورد حجم قاچاق در ۱۴۰۲

۴۱

قاچاق کالا و ارز یکی از نمودهای نگران‌کننده اقتصاد پنهان است که نشان‌دهنده ضعف در نظام نظارت و ناهماهنگی میان سیاست‌های کلان اقتصادی کشور است. این پدیده بیشتر از سیاست‌های نامناسبی مانند تعرفه‌های ناکارآمد، محدودیت‌های سخت‌گیرانه وارداتی، روندهای پیچیده در گمرک و توزیع نابرابر یارانه‌ها ناشی می‌شود. قاچاق با اصول اقتصاد مقاومتی که بر حمایت از تولید داخلی، کاهش وابستگی، شفافیت اقتصادی و مقابله با فساد تأکید دارد، مغایرت دارد؛ زیرا هم منابع کشور را هدر می‌دهد و هم به تولیدکننده داخلی آسیب می‌زند. بر پایه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲، هرگونه تخلف آگاهانه یا ناآگاهانه از مقررات مشخص واردات و صادرات که مجازات قانونی دارد، مصداق قاچاق است.

قاچاق کالا در تمامی مراحل زنجیره تأمین، از مبادی ورودی تا نقاط توزیع و مصرف داخلی، به واسطه شکاف‌های نهادی و اجرایی در نظام حکمرانی اقتصادی، به سطح بحرانی رسیده است. حجم قاچاق وارداتی در سال ۱۴۰۲ بین ۱۲ تا ۲۵ میلیارد دلار برآورد شده است که در مقایسه با واردات رسمی کشور (۶۶ میلیارد دلار)، نسبت قابل توجهی را شامل می‌شود (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۴۰۳). همچنین نسبت قاچاق خروجی به صادرات رسمی و سهم کلی قاچاق از تجارت خارجی، نمایانگر گسترش معنادار نشت منابع و فرسایش ظرفیت‌های تجاری رسمی است. این وضعیت علاوه بر تحمیل زیان‌های مستقیم به اصناف، تولیدکنندگان و دولت، از طریق

تضعیف سرمایه‌گذاری مولد، تعمیق نابرابری‌های اجتماعی و تقویت دوره‌ای بازخورد منفی اقتصادی، موجب پایداری رکود ساختاری و افزایش هزینه فرصت منابع ملی می‌شود. برآوردها نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۱ حدود ۵/۸ میلیارد دلار از کل قاچاق ۱۹/۸ میلیارد دلاری کشور مربوط به قاچاق خروجی بوده است (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۴۰۱)، درحالی‌که صادرات رسمی همان سال کمتر از ۵۰ میلیارد دلار بود (گمرک جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۱)؛ بنابراین اصلاحات بنیادین در نظام تعرفه‌ای، تقویت نظارت‌ها و کاهش شکاف‌ها میان اقتصاد رسمی و غیررسمی، ضرورتی انکارناپذیر است.

در دهه‌های اخیر، پدیده شکاف عمیق میان عرضه و تقاضا در برخی کالاها مانند چای، شمش طلا، سیگار، لوازم خانگی، قطعات یدکی خودرو، پوشاک و محصولات آرایشی و بهداشتی، جلوه‌ای آشکار از ناهنجاری‌های اقتصادی ناشی از قاچاق بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۸)؛ به‌ویژه قاچاق گسترده پوشاک که به‌عنوان بخشی از زنجیره ارزش افزوده داخلی مزیت نسبی دارد، پیامدهای مخربی چون تعطیلی صنایع نساجی و پوشاک، کاهش بهره‌وری و تولید، تضعیف سودآوری بنگاه‌های داخلی و عدم توسعه فناوری‌های نوین را به‌دنبال داشته است. این معضل ریشه در ساختارهای اقتصادی دوره قاجار دارد و در دوران پهلوی با سیاست‌های واردات محور تشدید شد (عیسوی، ۱۳۶۲؛ خداداد کاشی و فیروزجنگ، ۱۳۹۲).

پس از انقلاب اسلامی، پدیده قاچاق با رشدی بی‌رویه و ساختارمند، ابعاد تازه‌ای یافته و به یکی از موانع اصلی تحقق اهداف توسعه اقتصادی کشور تبدیل شده است. این ابعاد تازه را می‌توان در چند محور عمده خلاصه کرد:

۱. شکل‌گیری شبکه‌های سازمان‌یافته قاچاق با بهره‌گیری از خلأهای قانونی و مرزی؛
۲. افزایش قاچاق خروجی (برخلاف دهه‌های پیش که عمدتاً وارداتی بود)؛ به‌ویژه در حوزه سوخت، دارو و کالاهای یارانه‌ای؛
۳. تأثیر مستقیم بر صنایع داخلی از طریق عرضه کالاهای بی‌کیفیت یا ارزان‌قیمت خارجی؛
۴. کاهش درآمدهای دولت از محل مالیات و گمرکات؛
۵. گسترش اقتصاد غیررسمی و تضعیف حاکمیت اقتصادی دولت؛
۶. اختلال در سیاست‌های ارزی، تعرفه‌ای و حمایتی (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸).

قاچاق کالا از مبادی رسمی به‌عنوان انحرافی ساختاری در تجارت بین‌الملل و نقض اصول تعرفه‌ای و نظارتی، از تکنیک‌های پیچیده‌ای برای اختلال در فرآیندهای گمرکی بهره می‌برد. این

شیوه‌ها شامل اظهار نادرست کالای مشمول تعرفه حداقلی به جای کالاهای با تعرفه‌های بالاتر از طریق دستکاری در طبقه‌بندی HS Code، جعل اسناد تجاری، تجمیع کالای تعاونی مرزنشین برخلاف سهمیه‌بندی‌ها و ورود کالا تحت عنوان مرجوعی صادراتی است (نیلور، ۲۰۰۴). همچنین خروج کالا از مناطق ویژه اقتصادی بدون پرداخت تعهدات تعرفه‌ای، اظهار نادرست قطعات به جای کالاهای کامل، نقض نظام ارزش‌گذاری و شمارش گمرکی را به همراه دارد. روش‌های دیگر مانند کم‌اظهاری در تعداد و ارزش کالاها و ورود کالاهای مستعمل فاقد مجوز، فرآیندهای نظارتی را پیچیده‌تر می‌سازد. قاچاق سوخت تحت پوشش کالاهای دیگر، تخصیص جعلی سهمیه سوخت شناورها و استفاده مکرر از اسناد منشأ برای قاچاق گازوئیل نیز از تاکتیک‌های متداول‌اند. همچنین صادرات صوری کالاهای یارانه‌ای ذیل عنوان کالای تجاری، دستکاری در فرآیند استهلاك مجوزها برای صادرات مجدد کود شیمیایی و اعلام وصول جعلی محموله‌ها در مقصد ترانزیتی از سایر روش‌های پیچیده برای سوءاستفاده از ساختارهای رسمی‌اند. علاوه بر موارد پیش گفته، ورود کالا از معابر صعب‌العبور زمین مرزی و اسکله‌های غیررسمی، جمع‌آوری و انتقال ارز مداخله‌ای از مسیرهای غیرقانونی مرزی و عدم ثبت یا ثبت صوری معاملات ارزی در سامانه‌های نظارتی همچون سنا به عنوان بخشی از فرآیندهای مالیاتی‌گریزی و پولشویی مرتبط با قاچاق مطرح‌اند. در نهایت افتتاح حساب‌های بانکی در مناطق آزاد برای انجام عملیات صرافی در سرزمین اصلی، تبانی در ثبت سفارش و فروش حواله‌های ارزی تخصیصی و ارائه فاکتورهای صوری توسط صرافی‌ها، این چرخه پیچیده را تکمیل می‌کند و نیازمند بازنگری‌های اساسی در نظام مقرراتی و نظارتی است. پدیده قاچاق را می‌توان در چهارچوبی مفهومی در دو دسته عوامل ساختاری ثابت و عوامل پویا و متغیر تحلیل کرد که هریک به واسطه پویایی‌های اقتصادی و نهادی نقش متفاوتی در پایداری این ناهنجاری ایفا می‌کنند. عوامل ثابت با ماهیتی بنیادین و پایدار، شامل مشکلاتی مانند بیکاری مزمن، تورم ساختاری، ناکارآمدی حمایت‌های صنعتی، پراکندگی مرزها و آسیب‌پذیری‌های استراتژیک و نارسایی‌های نهادی در مکانیسم‌های اجرایی و نظارتی است که کمتر در برابر تحولات محیطی انعطاف‌پذیرند. ازسوی دیگر عوامل متغیر همچون کاستی‌های نظام تعرفه‌ای، ضعف هم‌افزایی ساختارهای کنترلی، نفوذپذیری زیرساخت‌های گمرکی و نهادینه‌شدن فرهنگ مصرف کالاهای غیرقانونی، فرصت‌هایی برای مداخلات اصلاحی فراهم می‌آورند. این تقسیم‌بندی مبنای نظری

برای تدوین راهبردهای تقنینی و اجرایی به منظور تعدیل تنش‌های میان اقتصاد رسمی و غیررسمی ارائه می‌دهد (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸).

وجود بیش از ۶۰۰۰ کیلومتر مرز زمینی و ۲۷۰۰ کیلومتر مرز دریایی با همجواری گسترده، بستر مناسبی برای تسهیل قاچاق ایجاد کرده است. ابزارها و روش‌های مورد استفاده در قاچاق کالا در سال‌های اخیر، متنوع‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند و از شیوه‌های قانونی تا غیرقانونی را دربرمی‌گیرند. ازجمله این ابزارها به بهره‌برداری از نظام اظهارنامه‌های گمرکی، سوءاستفاده از رویه ورود موقت کالا، استفاده از ظرفیت ته‌لنجی، جعل مدارک گمرکی و استفاده از سهمیه کالای همراه مسافر و مناطق آزاد می‌توان اشاره کرد. در کنار این روش‌ها، قاچاق فیزیکی نیز از طریق قایق‌های تندرو، خودروهای سبک و پُرسرعت موسوم به «شوتی»، بازارچه‌های مرزی، گذرگاه‌های کنترل‌نشده، کول‌بری در مناطق غربی و اسکله‌های غیرمجاز انجام می‌گیرد (ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ۱۴۰۱).

نظارت ناکافی در سواحل و وجود بیش از یکصد اسکله غیرمجاز عمده‌تأ در نواحی دورافتاده، به قاچاقچیان این امکان را می‌دهد که بدون مواجهه با نظارت‌های سازمان‌یافته به‌راحتی کالاهای غیرقانونی را جابه‌جا کرده و اختلالات اقتصادی ایجاد کنند. این وضعیت علاوه بر تقویت اقتصاد غیررسمی، چالش‌های اساسی در مسیر اعمال سیاست‌های نظارتی مؤثر به‌وجود آورده است. قاچاق، در عرصه اختلال در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، به‌ویژه در توازن تجاری، نقشی مخرب و ساختاری ایفا می‌کند. این پدیده از طریق ایجاد عدم تعادل در معادلات پیش‌بینی‌شده دولت برای مدیریت منابع ارزی، موجب ناکارآمدی سیاست‌های وارداتی و صادراتی می‌شود (افراسیابی، ۱۳۸۲، ص ۱۶). در چهارچوب نظریه تخصیص بهینه منابع، قاچاق به‌عنوان عاملی برون‌زا، جریان تخصیص ارز را از مسیر بهینه اقتصادی منحرف کرده و هزینه‌های فرصت زیادی را به اقتصاد تحمیل می‌کند. همچنین در بستر نظریه عدم تقارن اطلاعات، قاچاق باعث می‌شود دولت با داده‌های ناقص در تدوین سیاست‌های تجاری، اهدافی مانند توازن تجاری، کنترل تورم وارداتی و حمایت از تولید داخلی را به‌طور مؤثر محقق نکند. این اختلال در سیاست‌ها منجر به افزایش کسری تراز پرداخت‌ها و آسیب به شاخص‌های کلان اقتصادی مانند نرخ ارز، ذخایر ارزی و رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود (گلدوزیان و ابراهیمی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰). قاچاق، با ایجاد کانال‌های غیررسمی برای خروج کالا و ارز، نه تنها باعث فرار سرمایه و اختلال در بازگشت منابع

ارزی به سیستم بانکی می‌شود، بلکه با حذف پیمان‌سپاری ارزی و عدم ثبت جریان‌های مالی در ساختار رسمی، موجب کاهش ذخایر ارزی، افزایش فشار بر بازار ارز و تضعیف ابزارهای سیاست‌گذاری اقتصادی می‌گردد. گسترش شبکه‌های فساد مالی از طریق تبانی، رشوه و اعمال نفوذ در دستگاه‌های دولتی، ناکارآمدی نهادهای اجرایی را به دنبال دارد و به تقویت اقتصاد غیررسمی منجر می‌شود. مقابله با این پدیده نیازمند اصلاحات عمیق ساختاری است که شامل بازبینی نظام تعرفه‌ای، تقویت کارآمدی نهادهای نظارتی، اصلاح سازوکارهای نظارت بر بازار و ترویج مصرف کالاهای داخلی است. شناسایی نیازهای مصرف‌کنندگان و ارائه کالاهای باکیفیت و رقابتی می‌تواند به احیای تولید داخلی و بهبود زنجیره ارزش اقتصاد رسمی کمک کند.

اهمیت این پژوهش از آنجاست که قاچاق کالا نه تنها موجب اختلال در سیاست‌های اقتصادی کشور می‌شود، بلکه با تضعیف تولید داخلی و افزایش نابرابری اجتماعی، بنیان‌های توسعه پایدار را تهدید می‌کند. هدف اصلی مقاله، شناسایی علل، پیامدها و راهکارهای مقابله با قاچاق کالا با استفاده از نظریه داده‌بنیان و با تأکید بر انطباق راهبردها با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. ساختار مقاله بدین ترتیب تنظیم شده است: پس از مرور ادبیات و پیشینه پژوهش، مبانی نظری تبیین می‌شود؛ سپس روش‌شناسی تحقیق و فرآیند کدگذاری داده‌ها شرح داده می‌شود. در ادامه یافته‌ها و تحلیل‌ها ارائه شده و در پایان، نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی مطرح می‌گردد.

۱. پیشینه

پژوهش‌های مربوط به قاچاق کالا در دهه‌های اخیر، از منظرهای متفاوت به این پدیده نگریسته‌اند. بخشی از این مطالعات بر عوامل شکل‌گیری قاچاق، بخشی بر پیامدهای آن برای تولید و تجارت رسمی، و بخشی دیگر بر راهکارهای تقنینی و اجرایی مقابله با آن تمرکز داشته‌اند. مرور پیشینه پژوهش می‌تواند ضمن روشن کردن روند تحولات مطالعاتی، خلأهای نظری و کاربردی موجود را آشکار سازد.

۱.۱. مطالعات داخلی

مداح (۱۳۸۷) با بهره‌گیری از مدل‌های شبیه‌سازی اقتصاد کلان، به بررسی اثر سیاست‌های تعرفه‌ای بر قاچاق پرداخته است. او نشان می‌دهد تعرفه‌های نادرست و نبود شفافیت گمرکی، زمینه‌ساز افزایش جذابیت قاچاق می‌شوند. پیشنهاد او اصلاح نظام تعرفه‌ای و گسترش ابزارهای

نظارتی هوشمند است.

عبدالحمیدی (۱۳۸۸) با روش پیمایش و تحلیل چندمتغیره، عوامل مؤثر بر گسترش قاچاق را بررسی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد نابرابری اقتصادی، شکاف طبقاتی و بی‌اعتمادی اجتماعی از عوامل زمینه‌ساز قاچاق‌اند. او پیشنهاد می‌کند با ایجاد سرمایه اجتماعی و سیاست‌های بازتوزیعی با این پدیده مقابله شود.

قلی‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) با تحلیل تطبیقی داده‌های تاریخی، آثار قاچاق پس از انقلاب را بر زیرساخت‌های اقتصادی و امنیتی بررسی کرده‌اند. آنها کاهش بهره‌وری تولید، فرار مالیاتی و تضعیف قدرت خرید را نتایج اصلی می‌دانند. راهکار پیشنهادی آنان، سیاست‌گذاری هماهنگ و بین‌بخشی است.

خضرزاده و همکاران (۱۳۸۹) با رویکرد تحلیل سیاست‌گذاری و مدل‌سازی، نقش نهادهای نظارتی در مرزهای جنوبی ایران را مطالعه کرده‌اند. نتایج نشان می‌دهد ضعف هماهنگی میان دستگاه‌ها، اثربخشی مقابله را کاهش داده است. آنان بر طراحی سازوکارهای نظارتی یکپارچه تأکید دارند.

سبزواری (۱۳۹۰) در پژوهشی جامعه‌شناختی، عوامل فرهنگی قاچاق ازجمله مصرف‌گرایی تجملی طبقات متوسط و بالا را تحلیل کرده است. او دلیل این رفتار را ناکارآمدی نظام فرهنگی می‌داند. پیشنهاد او اصلاح ساختارهای فرهنگی برای کاهش تقاضای کالای قاچاق است.

کهنه‌پوشی و جلالیان (۱۳۹۲) با استفاده از داده‌های کیفی و تحلیل منطقه‌ای، اثر قاچاق بر معیشت روستاییان مرزنشین را بررسی کرده‌اند. آنان نشان دادند که این پدیده موجب تخریب بنیان‌های اقتصادی مناطق مرزی شده است. پیشنهاد آنان تخصیص هدفمند منابع به توسعه روستاهاست.

توکلی (۱۳۹۹) با رویکرد نظریه‌محور و تحلیل علی، تأثیر قاچاق بر ناامنی اقتصادی و اجتماعی را بررسی کرده است. وی کاهش بهره‌وری سرمایه‌گذاری ملی را پیامد نوسانات ساختاری ناشی از قاچاق می‌داند. راهکار او تدوین سیاست‌های کنترلی و تعادل در تعرفه‌هاست.

۱-۲. مطالعات خارجی

نورتون (Norton) با مدل‌سازی نظری در چهارچوب اقتصاد بین‌الملل، نشان داد که تفاوت قیمت‌ها بین بازار داخلی و خارجی، به‌ویژه ناشی از تعرفه‌های بالا، انگیزه اصلی قاچاق است. وی

تأکید کرد که نظام تعرفه‌ای پیچیده، بستر قاچاق را گسترش می‌دهد. پیشنهاد او، اصلاح تعرفه‌ها و تقویت تجارت رسمی است.

گاتی (Gatti) با تحلیل داده‌های بانک جهانی، به این نتیجه رسید که ساختارهای تعرفه‌ای ناپایدار موجب تقویت فساد در گمرکات و تشویق قاچاق می‌شوند. او استدلال می‌کند که تعرفه‌های ساده و یکنواخت از فساد می‌کاهند. نتیجه سیاستی او پیشنهاد ساختار تعرفه‌ای منسجم و شفاف است.

ماکارنکو (Makarenko) در مطالعه‌ای درباره آسیای مرکزی، شبکه‌های قاچاق را در بستر مرزهای شکننده، ضعف نهادهای حکمرانی و گسترش تجارت مواد مخدر تحلیل کرده است. وی نشان می‌دهد که ضعف همکاری میان دولت‌های منطقه و ناکارآمدی سازوکارهای مشترک کنترل مرزی، زمینه تداوم و گسترش شبکه‌های قاچاق را فراهم کرده است. بر این اساس، تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، تبادل اطلاعات و توسعه دیپلماسی مرزی از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با قاچاق در آسیای مرکزی به‌شمار می‌رود.

نیلور (Naylor) در کتابی نظری با رویکرد اقتصاد سیاسی، ساختار اقتصاد زیرزمینی و نقش بازارهای سیاه در قاچاق را بررسی کرده است. وی قاچاق را پدیده‌ای ساختاری مرتبط با نابرابری‌های جهانی می‌داند. سیاست پیشنهادی او کاهش جذابیت اقتصادی قاچاق از طریق اصلاحات اجتماعی - اقتصادی است.

آرگبین (Aregbeyen) با مطالعه‌ای پیمایشی در نیجریه، علل و پیامدهای قاچاق و جعل را بررسی کرده و عوامل مؤثری همچون بیکاری و فساد اداری را برجسته ساخته است. او نتیجه گرفت که سیاست‌های تعرفه‌ای ناعادلانه انگیزه‌های قاچاق را افزایش می‌دهند. توصیه او اصلاح تعرفه‌ها و تقویت اشتغال رسمی است.

اندریاس در مقاله‌ای تحلیلی، سیاست‌های سخت‌گیرانه مرزی امریکا و مکزیک را بررسی کرده و نشان داده است که این رویکردها باعث پیچیده‌تر شدن شبکه‌های قاچاق شده‌اند. او بر ناکارآمدی تمرکز صرف بر کنترل مرز تأکید دارد. سیاست پیشنهادی او کاهش تقاضا و اصلاح درون‌مرزی است.

کیم و تاجیما (Kim & Tajima) با استفاده از داده‌های تجربی، نشان دادند که سخت‌گیری در مرزها منجر به تطبیق سریع شبکه‌های قاچاق و افزایش هوشمندی آنها می‌شود. آنها تأکید دارند که

کنترل صرف بر مرز ناکافی است. سیاست پیشنهادی، اصلاح ساختارهای اقتصادی و کاهش انگیزه‌های داخلی است.

بروئر (Bruwer) در مطالعه‌ای در حوزه امنیت دریایی، نشان داده است که بنادر و سواحل ضعیف نظارت، کانون مهمی برای قاچاق دریایی‌اند. وی تأکید می‌کند که فناوری‌های نظارتی می‌توانند اثربخشی مقابله را افزایش دهند. توصیه او استقرار سامانه‌های هوشمند در بنادر است. مرور پیشینه‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات متعددی به بررسی عوامل، آثار یا راهکارهای مقابله با قاچاق پرداخته‌اند، اما اغلب این پژوهش‌ها یا رویکردی تک‌بعدی داشته‌اند یا فاقد چهارچوبی منسجم برای تحلیل نظام‌مند علل و پیامدهای قاچاق بوده‌اند. همچنین کمتر پژوهشی به‌طور همزمان و با رویکرد داده‌بنیان، به استخراج راهبردهای مقابله با قاچاق در چهارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی پرداخته است. این مقاله درصدد پرکردن این خلأ نظری و کاربردی است و می‌کوشد با تلفیق دیدگاه‌های تخصصی خبرگان و روش کیفی، مدلی جامع برای تحلیل و مقابله با پدیده قاچاق ارائه دهد.

۲. مبانی نظری

مبانی نظری قاچاق کالا و ارز را می‌توان در سه حوزه اقتصادی، حقوقی و اقتصاد مقاومتی بررسی کرد. از نظر اقتصادی، قاچاق به‌عنوان فعالیتی غیررسمی که خارج از چهارچوب‌های قانونی انجام می‌شود، باعث کاهش درآمدهای دولت از طریق فرار مالیاتی و گمرکی شده، تولید داخلی را تضعیف می‌کند و بازار رسمی را مختل می‌سازد. همچنین قاچاق موجب افزایش اقتصاد زیرزمینی، کاهش شفافیت در معاملات و افزایش نابرابری‌های اجتماعی می‌شود. از منظر حقوقی، قاچاق نقض صریح قوانین و مقررات واردات و صادرات به‌شمار می‌رود و نشان‌دهنده ضعف نظام نظارتی، خلأهای قانونی و ناکارآمدی دستگاه‌های مجری قانون است. این وضعیت موجب بی‌نظمی در بازار، آسیب به حقوق مصرف‌کنندگان و کاهش اعتماد به سازوکارهای رسمی تجارت می‌گردد. از دیدگاه اقتصاد مقاومتی، قاچاق مغایر با اصول اصلی این رویکرد است که بر افزایش خوداتکایی، تقویت تولید داخلی، مدیریت بهینه منابع ملی و کاهش وابستگی به منابع خارجی تأکید دارد. قاچاق با فرسایش ظرفیت‌های تولیدی و اقتصادی کشور، افزایش وابستگی به کالاهای وارداتی و تخریب زیرساخت‌های اقتصادی، مانع تحقق تاب‌آوری اقتصاد ملی در برابر فشارهای

تحریمی و شوک‌های بیرونی می‌شود؛ بنابراین درک عمیق این مبانی برای طراحی سیاست‌های مؤثر مقابله با قاچاق و ارتقای سلامت و تاب‌آوری اقتصاد ضروری است.

۳. عوامل ساختاری و نهادی مؤثر در تسهیل قاچاق

قاچاق کالا در ایران معلول اختلالات ساختاری و نهادی عمیقی است که زمینه‌ساز گسترش فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی شده‌اند. طبق نظریه اقتصاد نهادی، نابرابری اطلاعات و ضعف در اجرای قراردادهای رسمی موجب خلأهای نظارتی شده است که به سوءاستفاده و تقویت قاچاق منجر می‌شود (موسایی و گرشناسی، ۱۳۸۹). از سوی دیگر چندگانگی نرخ ارز و ناکارآمدی سیاست‌های ارزی، محرک اصلی سوداگری و فعالیت‌های غیررسمی قلمداد می‌شوند (خضرزاده و همکاران، ۱۳۸۹). نظریه آشفتگی نهادی بیان می‌کند که چنین عدم تعادل‌هایی ساختارهای غیررسمی را تقویت و کارکرد نهادهای رسمی را تضعیف می‌کند (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

در سطح نهادی، نبود شفافیت در صدور کارت‌های بازرگانی و ضعف در نظام ارزیابی اقتصادی، تمایز میان فعالیت‌های قانونی و غیرقانونی را دشوار ساخته است که از منظر نظریه شکست نهادی، این موضوع اقتصاد رسمی را تضعیف می‌کند (سبزووار، ۱۳۹۰). همچنین ضعف بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در گمرکات و نظارت ناکارآمد به‌ویژه در مناطق آزاد تجاری و بازارچه‌های مرزی، فرصت‌های فراوانی برای سوءاستفاده فراهم می‌آورد که مطابق نظریه نظارت ناکافی است (موسایی و گرشناسی، ۱۳۸۹).

عدم هماهنگی میان نهادهای مسئول مبارزه با قاچاق نیز طبق نظریه هزینه‌های معامله، منجر به افزایش هزینه‌های اضافی، دوباره‌کاری و تضاد در سیاست‌گذاری می‌شود و اثربخشی مقابله با قاچاق را کاهش می‌دهد (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). علاوه بر این تمرکز صرف بر اقدامات فیزیکی و غفلت از اصلاح سیاست‌های کلان اقتصادی، مطابق نظریه اثرات منفی سیاست‌های کوتاه‌مدت، نه تنها به نتایج پایدار نمی‌انجامد، بلکه بار مالی قابل توجهی بر اقتصاد کشور تحمیل می‌کند (سبزووار، ۱۳۹۰).

ابهامات قانونی به‌ویژه در حوزه تعرفه‌ها و مقررات وارداتی، از منظر نظریه عدم قطعیت، اجرای ناهماهنگ و ناکارآمد قوانین را به همراه دارد که این موضوع خلأهای قانونی و ضعف در مقابله با قاچاق را تشدید می‌کند (خضرزاده و همکاران، ۱۳۸۹). تعرفه‌های بالا و پیچیدگی مقررات، مطابق

نظریه هزینه‌های نسبی، انگیزه قاچاقچیان را افزایش داده و فعالیت‌های غیرقانونی را تشدید می‌کنند (موسایی و گرشاسبی، ۱۳۸۹).

از دیدگاه اقتصاد بین‌الملل و نظریه انحراف قیمتی، تفاوت معنادار قیمت‌ها میان بازار داخلی و جهانی به‌ویژه در شرایط ناپایدار اقتصادی، موتور محرکه قاچاق است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). سیاست‌های تعرفه‌ای و نوسانات ارزی باعث تحریف قیمت‌ها و افزایش انگیزه قاچاق می‌شوند. همچنین فرهنگ مصرف‌گرایی و وابستگی به واردات ساختار اقتصادی را برای گسترش قاچاق آماده می‌کند (سبزواری، ۱۳۹۰).

از منظر نظریه حکمرانی ضعیف، فقدان نظارت مؤثر و صدور کارت‌های سبز در مناطق آزاد، موجب تضعیف اثر بازدارندگی قوانین است (خضرزاده و همکاران، ۱۳۸۹). افزون‌براین فساد سیستمیک در نهادهای گمرکی و نظارتی بر اساس نظریه فساد سازمانی، مانعی اساسی در فرایندهای کنترلی و نظارتی به‌شمار می‌آید و زمینه‌ساز گسترش قاچاق می‌شود (موسایی و گرشاسبی، ۱۳۸۹).

نرخ بالای تورم نیز از منظر نظریه اقتصاد کلان محرک تقاضای کالاهای قاچاق است؛ زیرا با کاهش قدرت خرید و ایجاد اختلافات قیمتی بین بازارهای داخلی و خارجی، انگیزه ورود به بازار سیاه افزایش می‌یابد (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹). در نهایت عدم تناسب جرم و مجازات، خصوصاً در جرایم سازمان‌یافته و پولشویی، اثربخشی حقوقی مقابله با قاچاق را کاهش داده است. در فقه امامیه، پولشویی به‌عنوان اکل مال به باطل شناخته شده و بر اساس قاعده «التعزیر لکل عمل محرم» مجازات‌های متناسب پیشنهاد می‌شود (سبزواری، ۱۳۹۰).

براین اساس ایجاد چهارچوب حقوقی جامع همراه با ضمانت‌های اجرایی مؤثر و بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته در سیستم‌های شناسایی و رهگیری کالا (نظریه بازی‌های غیرهمکارانه) برای کاهش انگیزه‌های قاچاق ضروری است (موسایی و گرشاسبی، ۱۳۸۹). این اقدامات می‌توانند با افزایش شفافیت و نظارت، ریسک قاچاق را به‌شکل قابل توجهی افزایش دهند و به تثبیت اقتصاد مقاومتی کمک کنند.

۴. شناسایی معضلات قاچاق با فرضیه داده‌بنیان

تحلیل داده‌ها فرآیندی چندمرحله‌ای است که شامل خلاصه‌سازی، کدگذاری، دسته‌بندی و پردازش داده‌های جمع‌آوری شده می‌شود تا زمینه تحلیل‌های عمیق‌تر فراهم گردد. در پژوهش

حاضر از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است که بر پایه رویکرد استقرایی و حرکت از جزء به کل، به‌منظور تولید نظریه‌ای تازه درباره پدیده قاچاق در چهارچوب اقتصاد مقاومتی است. این روش بر گردآوری داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اساتید دانشگاه و کارشناسان ستاد مبارزه با قاچاق تأکید دارد. در پژوهش حاضر، ۲۰ نفر از اساتید دانشگاه و نخبگان ستاد مبارزه با قاچاق کالا مشارکت داشتند. از نظر سنی، ۴۰ درصد از آنها در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال و ۷۰ درصد در بازه ۴۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند (با هم‌پوشانی آماری). از لحاظ تحصیلات، ۳۰ درصد دارای مدرک کارشناسی، ۵۰ درصد کارشناسی ارشد و ۲۰ درصد دارای مدرک دکتری بودند. تمامی مشارکت‌کنندگان مرد بودند. همچنین از نظر سابقه کاری، ۳۰ درصد سابقه‌ای کمتر از ۱۰ سال و ۷۰ درصد سابقه‌ای بین ۱۰ تا ۲۰ سال داشتند. پروتکل مصاحبه بر اساس مرور ادبیات و چهارچوب نظری حوزه قاچاق و اقتصاد مقاومتی تدوین و شامل سه پرسش کلیدی است که هدف آن پوشش ابعاد علت‌شناسی، آثار و راهکارهای مقابله با قاچاق است؛ این پرسش‌ها به‌صورت باز و انعطاف‌پذیر طراحی شدند تا امکان کشف مفاهیم نوظهور در پاسخ‌ها فراهم شود.

داده‌ها به‌صورت هم‌زمان جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل شدند و فرایند نظریه‌پردازی مبتنی بر سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی پیش رفت. در مرحله کدگذاری باز، داده‌ها شکسته، مفاهیم استخراج و مقوله‌بندی شدند. سپس در کدگذاری محوری، روابط بین مقولات شناسایی و مقوله مرکزی که نمایانگر هسته اصلی پدیده قاچاق است، تعیین گردید. در مرحله نهایی یعنی کدگذاری انتخابی، مدل نهایی شکل گرفت که فرایندها و تعاملات ساختاری، نهادی و رفتاری مؤثر بر قاچاق را در قالب یک چهارچوب تحلیلی یکپارچه تبیین می‌کند. این مدل به‌عنوان خروجی اصلی تحقیق، ضمن بازنمایی علل و پیامدها، راهکارهای منطبق با اصول اقتصاد مقاومتی را ارائه می‌دهد.

۵. کدگذاری آزاد برای پاسخ‌های پرسش اول

متن گفت‌وگوها	مفاهیم	مقوله‌ها
تعرفه‌های گمرکی ناکارآمدند و باعث افزایش قاچاق می‌شوند	ناکارآمدی تعرفه‌های گمرکی	ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین
سیاست‌های غیررقابتی جهت حمایت از تولید، به‌جای	سیاست‌های غیررقابتی	

متن گفت‌وگوها	مفاهیم	مقوله‌ها
تقویت تولید داخلی، سبب افزایش قاچاق‌اند		
سیاست‌های بانکی و مالیاتی ناکارآمد، انگیزه‌های اقتصادی را کاهش می‌دهند و به قاچاق دامن می‌زنند	ناکارآمدی سیاست‌های بانکی و مالیاتی	ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین
رویکرد نامناسب نسبت به سرمایه‌گذاری، باعث کاهش سرمایه‌گذاری قانونی و افزایش قاچاق می‌شود	رویکرد نامناسب به سرمایه‌گذاری	مشکلات اشتغال و سرمایه‌گذاری
محدودسازی تجارت رسمی، باعث افزایش تجارت غیرقانونی و قاچاق می‌شود	محدودسازی تجارت رسمی	محدودیت‌ها و موانع تجاری
قوانین دست و پاگیر، فرآیندهای قانونی را پیچیده و زمان‌بر و به قاچاق کمک می‌کنند	قوانین دست و پاگیر	ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین
سیاست‌های منجر به افزایش هزینه مبادله، انگیزه قاچاق را افزایش می‌دهد	افزایش هزینه مبادله	محدودیت‌ها و موانع تجاری
نرخ ارز در بازارهای رسمی و موازی متفاوت است	چندنرخ بودن ارز	محدودیت‌ها و موانع تجاری
تشریفات قانونی طولانی، فرآیندهای قانونی را کند و قاچاق را تسهیل می‌کنند	تشریفات قانونی طولانی	ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین
پایین ماندن بیش از حد نرخ ارز، باعث کاهش انگیزه تجارت قانونی و افزایش قاچاق شده است	کاهش نرخ ارز	محدودیت‌ها و موانع تجاری
عدم ایجاد زمینه‌های مناسب اشتغال، باعث افزایش بیکاری و همکاری با قاچاقچیان می‌شود	بیکاری	مشکلات اشتغال و سرمایه‌گذاری
نبود مرز مشخص بین منطقه آزاد و اصلی و تعدد آن، باعث افزایش قاچاق می‌شود	نبود مرز مشخص بین مناطق	مسائل مرزی و مناطق آزاد
افزایش مالیات، هزینه‌های تولید را افزایش داده و قاچاق را تشویق می‌کند	افزایش مالیات	مشکلات اشتغال و سرمایه‌گذاری
توزیع نامناسب تسهیلات و ایجاد شرایط نامناسب اقتصادی باعث افزایش قاچاق می‌شود	نابرابری اقتصادی و توزیع نامناسب منابع	ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین
نامناسب بودن آمایش سرزمین و توسعه نامناسب مناطق مرزی به قاچاق دامن می‌زنند	توسعه نامتوازن و عدم برنامه‌ریزی منطقه‌ای	ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین
عدم آگاهی از مدل توسعه منطقه‌ای و عدم توازن بین مرز و مرکز باعث بروز چالش‌های امنیتی می‌شود	ناهماهنگی در توسعه منطقه‌ای	ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین
نگاه کوتاه دستگاه‌های دولتی به پدیده کولبری و کمبود امکانات و ضعف در زیرساخت‌های رفاهی و بیکاری از دیگر عوامل افزایش قاچاق است	بی توجهی به مسائل اقتصادی کولبران	مشکلات اشتغال و سرمایه‌گذاری

جدول شماره ۲: کدگذاری آزاد برای پاسخ‌های پرسش اول (عوامل قاچاق چیست؟)

۶. کدگذاری محوری برای عوامل قاچاق

در فرآیند کدگذاری محوری، «ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین» به‌عنوان مقوله هسته‌ای انتخاب شده است؛ چراکه این مقوله با تأثیرگذاری مستقیم و غیرمستقیم بر حوزه‌هایی مانند محدودیت‌های تجاری، اختلالات اشتغال و سرمایه‌گذاری و چالش‌های مرتبط با مناطق مرزی، ظرفیت پوشش‌دهی سایر عوامل را داراست. این ناکارآمدی می‌تواند موانع تجاری را تشدید کرده یا انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش دهد و بدین ترتیب زیربنای بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی گردد. افزون‌براین مقوله هسته‌ای باید از سطح انتزاعی کافی برخوردار باشد تا بتواند دیگر مقولات را در قالب چهارچوبی منسجم دربرگیرد. ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین با ماهیت انتزاعی‌اش، واجد توانایی تبیین روابط علی و زمینه‌ای در حوزه‌های متنوع است. همچنین این مقوله به‌عنوان یکی از بنیان‌های مولد مشکلات ساختاری، به‌طور مکرر در داده‌ها برجسته شده و بازنمایی فراوانی یافته است؛ بنابراین پژوهشگر با اتکا به الگوهای استخراج‌شده از داده‌ها، این مفهوم را به‌عنوان محور تحلیلی برگزیده است؛ چراکه شواهد تجربی نشان‌دهنده نقش کلیدی آن در تکوین و تشدید چالش‌های نظام‌مند می‌باشد.

ردیف	مقوله‌ها	مقوله هسته‌ای
۱	ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین	ناکارآمدی سیاست‌ها و قوانین
۲	محدودیت‌ها و موانع تجاری	
۳	مشکلات اشتغال و سرمایه‌گذاری	
۴	مسائل مرزی و مناطق آزاد	

جدول شماره ۳: مقوله هسته‌ای علل قاچاق

۷. کدگذاری آزاد برای پاسخ‌های پرسش دوم

	متن گفت‌وگوها	مفاهیم	مقوله‌ها
۱	قاچاق عامل بسیاری از نابسامانی‌های اقتصادی است	ناابسامانی اقتصادی	ناابسامانی‌های اقتصادی و مالی
۲	قاچاق باعث اختلالات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌شود	اختلالات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی	اختلالات منطقه‌ای و مرزی
۳	قاچاق باعث مشکلات پولی و مالی می‌شود	مشکلات پولی و مالی	ناابسامانی‌های اقتصادی و مالی
۴	قاچاق عرضه سوخت در مناطق مرزی را	اختلال در عرضه سوخت	اختلالات منطقه‌ای و مرزی

مقوله ها	مفاهیم	متن گفت وگوها
	مناطق مرزی	مختل می کند
نابسامانی های اقتصادی و مالی	اخلال در نظام اقتصادی	۵ قاجاق در نظام اقتصادی اخلال ایجاد می کند
نابسامانی های اقتصادی و مالی	کاهش حاکمیت اقتصادی دولت	۶ قاجاق حاکمیت اقتصادی دولت را کاهش می دهد
فعالیت های غیرقانونی و پولشویی	فرار سرمایه	۷ قاجاق باعث فرار سرمایه می شود
نیازهای ارزی و تجاری	افزایش نیاز ارزی	۸ قاجاق نیاز ارزی را افزایش می دهد
فعالیت های غیرقانونی و پولشویی	پولشویی	۱۰ قاجاق منجر به پولشویی می شود
کاهش انگیزه ها و حمایت ها	خنثی شدن حمایت از تولید	۱۱ قاجاق حمایت از تولید را خنثی می کند
کاهش انگیزه ها و حمایت ها	کاهش انگیزه سرمایه گذاری	۱۲ قاجاق انگیزه سرمایه گذاری را کاهش می دهد
نابسامانی های اقتصادی و مالی	افزایش هزینه های دولت و کاهش اثربخشی	۱۳ قاجاق هزینه های دولت را افزایش و اثربخشی آن را کاهش می دهد
اشتغال و عدالت اجتماعی	کاهش عدالت مالیاتی	۱۴ قاجاق عدالت مالیاتی را کاهش می دهد
نابسامانی های اقتصادی و مالی	کاهش تولید داخلی و درآمد بودجه	۱۵ قاجاق تولید داخلی و درآمد بودجه را کاهش می دهد
اشتغال و عدالت اجتماعی	کاهش اشتغال	۱۶ قاجاق باعث کاهش اشتغال می شود
کاهش انگیزه ها و حمایت ها	کاهش انگیزه تجارت قانونی	۱۷ قاجاق انگیزه تجارت قانونی را کاهش می دهد
اختلال در سیاست ها و آمارها	اختلال در آمارها و سیاست های اقتصادی	۱۸ قاجاق منجر به مبهم شدن آمارها و اختلال در سیاست های اقتصادی می شود

جدول شماره ۴: کدگذاری آزاد برای پاسخ های پرسش دوم (آثار پیامدهای قاجاق کالا چیست؟)

۸. کدگذاری محوری برای آثار قاجاق

مقوله هسته ای	مقوله ها	ردیف
نابسامانی های اقتصادی و مالی	نابسامانی های اقتصادی و مالی	۱
	فعالیت های غیرقانونی و پولشویی	۲
	نیازهای ارزی و تجاری	۳
	کاهش انگیزه ها و حمایت ها	۴
	کاهش اشتغال و عدالت اجتماعی	۵
	اختلال در سیاست ها و آمارها	۶

جدول شماره ۵: مقوله هسته ای پیامدهای قاجاق

نتایج کدگذاری آزاد نشان می‌دهد که نابسامانی‌های اقتصادی و مالی به‌عنوان مقوله‌ای محوری با اهمیتی نظری و تجربی قابل توجه در تحلیل پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی مطرح است. این مقوله به‌عنوان متغیری کلیدی در بررسی رفتارهای غیرقانونی، پولشویی و همچنین افزایش نیازهای ارزی و تجاری، کاهش حمایت‌ها و انگیزه‌ها و تشدید نابرابری اجتماعی و بیکاری به‌شمار می‌آید. در شرایط نابسامان اقتصادی، زمینه‌های مساعدی برای گسترش فعالیت‌های غیرقانونی ایجاد می‌گردد که این موضوع به‌دلیل ناپایداری‌های اقتصادی و افزایش تمایل به انحراف از قوانین رخ می‌دهد. نوسانات اقتصادی به شدت بر نیازهای ارزی و تجاری تأثیر می‌گذارد و افزایش ناگهانی تقاضا برای ارز و نیاز به واردات کالاها را به‌دنبال دارد. این وضعیت اغلب ناشی از عدم توازن در حساب‌های جاری و عدم ثبات در سیاست‌های تجاری است. همچنین نابسامانی‌ها می‌تواند کارآیی نظام اقتصادی و اجتماعی را کاهش داده و امنیت سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار دهد. در چنین بستری، افزایش بیکاری و تشدید نابرابری‌های اجتماعی نشانه‌های عدم پایداری در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی به‌شمار می‌روند.

۹. کدگذاری آزاد برای پاسخ‌های پرسش سوم

متن گفت‌وگوها	مفاهیم	مقوله‌ها
بهبود کیفیت و کمیت روابط مرزی و ایجاد فرصت‌های شغلی می‌تواند به کاهش قاچاق کمک کند	ارتباطات مرزی و اشتغال	توسعه مرزی و اشتغال
رفع مشکلات مرزی و ایجاد توازن بین مناطق مرزی و مرکزی از اهمیت بالایی برخوردار است	توازن منطقه‌ای و حل مشکلات مرزی	توسعه مرزی و اشتغال
توجه به توانایی‌های مناطق مختلف در ایجاد صنایع می‌تواند به کاهش قاچاق کمک کند	آمایش سرزمین و توسعه صنعتی	توسعه صنعتی و اقتصادی
تقویت سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی برای بهبود اقتصاد مرزی ضروری است	سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی	توسعه صنعتی و اقتصادی
اصلاح اقتصاد مرز نشین و ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذاران می‌تواند به کاهش قاچاق کمک کند	اقتصاد مرزی و امنیت سرمایه‌گذاری	امنیت و سرمایه‌گذاری مرزی
برقراری روابط مناسب با کشورهای همسایه و ایجاد امنیت برای مرز نشینان از اهمیت بالایی برخوردار است	روابط بین‌المللی و امنیت مرزی	امنیت و سرمایه‌گذاری مرزی
رفع موانع سرمایه‌گذاری در استان‌های مرزی باید	تسهیل سرمایه‌گذاری در	امنیت و سرمایه‌گذاری

متن گفت‌وگوها	مفاهیم	مقوله ها
در اولویت قرار گیرد	مناطق مرزی	مرزی
ارائه تسهیلات زمین به سرمایه‌گذاران می‌تواند جذابیت سرمایه‌گذاری را افزایش دهد	تسهیلات زمین و جذب سرمایه‌گذاری	امنیت و سرمایه‌گذاری مرزی
اعمال معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران در مناطق مرزی ضروری است	معافیت‌های مالیاتی و توسعه اقتصادی	تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی
معافیت‌های تأمین اجتماعی برای کارآفرینان در مناطق مرزی می‌تواند به کاهش قاچاق کمک کند	معافیت‌های تأمین اجتماعی و کارآفرینی	تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی
تغییر در قوانین کار و اصلاح نظام مالیاتی باید بهبود یابد	اصلاح قوانین کار و مالیات	تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی
تسهیل فرآیند کسب‌وکارهای جدید می‌تواند به کاهش قاچاق کمک کند	تسهیل کسب‌وکارهای جدید	تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی
تشویق واردات قانونی از اهمیت بالایی برخوردار است	واردات قانونی و کاهش قاچاق	تجارت و همکاری بین‌المللی
ایجاد زیرساخت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری باید در اولویت قرار گیرد	زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری	توسعه صنعتی و اقتصادی
توسعه زیرساخت‌های آموزشی در مناطق مرزی ضروری است	زیرساخت‌های آموزشی و توسعه مرزی	توسعه مرزی و اشتغال
تقویت موافقتنامه‌های تجاری با کشورهای همسایه باید در اولویت قرار گیرد	موافقتنامه‌های تجاری و همکاری بین‌المللی	تجارت و همکاری بین‌المللی
ساماندهی تجارت و تسهیل فضای کسب‌وکار می‌تواند به کاهش قاچاق کمک کند	تجارت و فضای کسب‌وکار	تجارت و همکاری بین‌المللی
بهبود طرح‌های آمایش سرزمینی از اهمیت بالایی برخوردار است	آمایش سرزمینی و توسعه پایدار	توسعه صنعتی و اقتصادی
ایجاد زیرساخت‌های مناسب اشتغال در مناطق مرزی ضروری است	زیرساخت‌های اشتغال و توسعه مرزی	توسعه مرزی و اشتغال
فعال شدن بازارچه‌ها با نظارت دقیق گمرک می‌تواند به کاهش قاچاق کمک کند	بازارچه‌های مرزی و نظارت گمرکی	تجارت و همکاری بین‌المللی
ایجاد امکانات و تسهیلات زیربنایی در مناطق مرزی باید تقویت شود	تسهیلات زیربنایی و توسعه مرزی	توسعه مرزی و اشتغال
تولید کالای با کیفیت باتوجه به موقعیت مناسب جغرافیایی باید تشویق شود	تولید با کیفیت و موقعیت جغرافیایی	توسعه صنعتی و اقتصادی
ایجاد ترانزیت آبی، خاکی و گردشگری می‌تواند به کاهش قاچاق کمک کند	ترانزیت و گردشگری	تجارت و همکاری بین‌المللی

متن گفت‌وگوها	مفاهیم	مقوله ها
الکترونیکی کردن تبادلات بین دو کشور باید تقویت شود	تبادلات الکترونیکی و همکاری بین المللی	تجارت و همکاری بین المللی
بازارچه‌های مرزی باید فعال تر شوند	بازارچه‌های مرزی و توسعه اقتصادی	تجارت و همکاری بین المللی
اعمال طرح‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاران ضروری است	طرح‌های تشویقی و جذب سرمایه‌گذاری	تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی

جدول شماره ۶: کدگذاری آزاد برای پاسخ‌های پرسش سوم (راهکارهای پیشگیری از قاچاق کالا کدام‌اند؟)

۱۰. کدگذاری محوری برای راهکارهای قاچاق

توسعه پایدار و جامع مناطق مرزی به‌عنوان یک مقوله محوری می‌تواند به‌طور مؤثری سایر مقوله‌ها و مفاهیم را پوشش دهد و ارتباطات و تأثیرات متقابل آنها را به تصویر بکشد. این مقوله به‌دلایل ذیل به‌عنوان یک محور مناسب در نظر گرفته می‌شود: الف) توسعه پایدار مناطق مرزی می‌تواند منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید و بهبود وضعیت اشتغال در این نواحی شود؛ ب) این نوع توسعه می‌تواند به رشد صنعتی و اقتصادی در مناطق مرزی کمک کرده و زیرساخت‌های لازم برای توسعه را فراهم آورد؛ ج) توسعه پایدار می‌تواند به تقویت امنیت در مناطق مرزی کمک کند و در نتیجه زمینه را برای جذب سرمایه‌گذاری‌ها فراهم سازد؛ د) از طریق ارائه تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی، توسعه پایدار می‌تواند انگیزه‌های لازم برای سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.

ردیف	مقوله‌ها	مقوله هسته‌ای
۱	توسعه مرزی و اشتغال	توسعه پایدار و جامع مناطق مرزی
۲	توسعه صنعتی و اقتصادی	
۳	امنیت و سرمایه‌گذاری مرزی	
۴	تسهیلات و معافیت‌های مالیاتی	
۵	تجارت و همکاری بین‌المللی	

جدول شماره ۷: مقوله هسته‌ای راهکارهای قاچاق

۱۱. مقایسه راهبردهای پیشنهادی با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛ تأیید فرضیه

راهبردهای نخبگان به وضوح فرضیه لزوم افزایش بهره‌وری را تأیید می‌کنند؛ با این حال برای تأیید این راهبردها، ضروری است که آنها را با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی که به‌عنوان اسناد

بالادستی در برنامه‌های ملی معرفی شده‌اند، مقایسه کنیم. این مقایسه نشان می‌دهد که تمامی راهبردهای نخبگان با اصول و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی هم‌راستا هستند؛ بنابراین فرضیه‌ای که به‌دست آمده، به‌واسطه این هم‌خوانی نیز تأیید می‌شود. ناگفته نماند که هدف اصلی این تحقیق «تبیین علل، پیامدها و ارائه راهبردهای مقابله با قاچاق کالا» بر پایه داده‌های کیفی و تحلیل نظریه داده‌بنیان است. مقایسه راهبردهای استخراج‌شده با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی صرفاً به‌منظور سنجش میزان انطباق یافته‌های پژوهش با اسناد کلان ملی و افزایش اعتبار و کارآمدی راهکارهای پیشنهادی صورت گرفته است؛ بنابراین هدف تحقیق تأیید تطابق نظرات نخبگان با اسناد بالادستی نبوده، بلکه این انطباق، نتیجه فرعی و مکمل فرآیند نظریه‌پردازی و تقویت کاربردی‌سازی راهبردهای پیشنهادی است.

سیاست‌های اقتصاد مقاومتی	برنامه راهبردی ستاد
بندهای ۹ و ۱۹	سالم‌سازی و شفاف‌سازی گردش پول و ارز؛ انضباط بخشی و مستندسازی گردش پول و ارز در نظام بانکی؛ شفاف‌سازی و سامان‌دهی بازار غیرمتشکل پولی
بندهای ۸، ۳۶، ۱۰، ۱۱، ۱۶، ۲۰، ۲۳، ۲۴	بهبود و تسهیل تجارت قانونی؛ بهبود فضای کسب‌وکار؛ بهبود فرآیندهای گمرکی؛ بهبود سیاست‌ها و فرآیندهای تجارت خارجی؛ سامان‌دهی و تسهیل فرایند حمل‌ونقل و ترانزیت
بند ۱۱	ساماندهی و کنترل مؤثر مرزها و مبادی رسمی ورود و خروج کالا؛ ساماندهی مبادلات و کنترل مؤثر مرزها؛ بهبود ارتباطات مرزی و ایجاد فرصت‌های شغلی؛ ساماندهی و انضباط بخشی به سواحل و دریا
بندهای ۱ و ۱۲	افزایش ریسک قاچاق کالا و ارز از پیش از مبادی تا سطح عرضه؛ مبارزه با قاچاق کالاها و هدف شفاف‌سازی گردش کالا در نظام توزیع و سطح عرضه؛ فعال‌سازی دیپلماسی مرزی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای مبارزه با قاچاق در پیش از مبادی؛ سامان‌دهی، پیشگیری و مقابله با قاچاق فرآورده‌های نفتی؛ صیانت از سرمایه‌های انسانی؛ ارتقای کارآمدی استانی دستگاه‌های دخیل در مبارزه؛ نقش آفرینی مؤثر نظام قضایی در پیشگیری
بندهای ۲۰ و ۲۱	ارتقای ظرفیت‌های فرهنگی، پژوهشی و آماری در مبارزه با قاچاق

جدول شماره ۸: ارتباط اقتصاد مقاومتی و راهکارهای خبرگان ستاد مبارزه با قاچاق کالا

تحقق راهبرد کلان اقتصاد مقاومتی، مستلزم مواجهه‌ای سیستمی و چندلایه با پدیده قاچاق کالا و ارز است که با تضعیف بنیان‌های تولید ملی و کاهش بهره‌وری سرمایه‌گذاری‌های مولد، به اختلال در تعادل کلان اقتصادی می‌انجامد. ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق، با اتکا به مدل‌های

پیشرفته تحلیل سیستمی و اصول مدیریت راهبردی، برنامه‌ای جامع و مبتنی بر آسیب‌شناسی ساختاری و تحلیل خلأهای نهادی تدوین کرده است. این برنامه با هدف استقرار نظامی هوشمند و یکپارچه، هماهنگی بین‌سازمانی و تقویت کارآیی نظارتی را محور قرار داده و با تطبیق کامل با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به‌ویژه حمایت از تولید ملی و سامان‌دهی نظام تجارت، به‌دنبال کاهش مزیت نسبی فعالیت‌های غیرقانونی است. بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادسنجی و سازوکارهای نهادی، این برنامه را به ابزار مؤثری برای مهار سیستماتیک قاچاق و ارتقای تاب‌آوری اقتصاد ملی بدل می‌سازد. برای این منظور جدول مقایسه‌ای راهکارهای کارشناسان مبارزه با قاچاق و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی ترسیم شد و نتایج ذیل به‌دست آمد:

۱. در چهارچوب راهکارهای تدوین‌شده، مقوله سالم‌سازی و شفاف‌سازی جریان‌های پولی و ارزی، به‌منظور ایجاد انضباط در نظام بانکی و سامان‌دهی بازار غیرمشفک پولی، به‌عنوان یکی از اهداف محوری مورد تأکید قرار گرفته است. این امر با هدف بهبود ساختارهای نظارتی و تقویت شفافیت اقتصادی در اسناد بالادستی، مانند سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز بازتاب یافته است؛ به‌ویژه در بند ۱۹ که بر شفاف‌سازی و سالم‌سازی اقتصاد تأکید دارد و بند ۹ که اصلاح و تقویت نظام مالی را به‌صورت همه‌جانبه مدنظر قرار می‌دهد. تأکید همزمان این اسناد بر شفافیت گردش مالی و ارزی، نشانگر آن است که عدم شفافیت در این حوزه‌ها، به‌عنوان یکی از کانون‌های آسیب‌پذیری اقتصادی، دغدغه اصلی سیاست‌گذاران به‌شمار می‌رود.

۲. تسهیل جریان تجارت رسمی به‌عنوان یکی از ارکان حیاتی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، مستلزم انجام اصلاحات ساختاری اساسی در نظام تجارت خارجی است که از طریق کاهش هزینه‌های مبادلاتی، بهبود کارآیی نهادی و تضعیف مزیت نسبی فعالیت‌های غیرقانونی، رقابت‌پذیری اقتصاد ملی را تقویت می‌کند. ناکارآمدی‌های ساختاری مانند ابهام در قوانین، تضاد در تعرفه‌ها، پیچیدگی‌های فرآیندهای گمرکی و ضعف زیرساخت‌های لجستیکی، موجب افزایش هزینه‌های فرصت و تضعیف انگیزه‌های مشارکت در تجارت قانونی می‌شوند. در راستای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، توسعه زیرساخت‌های لجستیکی پیشرفته، اصلاح نظام تعرفه‌ای و آمایش سرزمینی، بر لزوم طراحی نظامی یکپارچه و هوشمند تأکید دارند که با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین مانند سامانه‌های ردیابی هوشمند و تحلیل‌های داده‌محور، انسجام زنجیره تأمین و شفافیت تجاری را تضمین کند. رفع گره‌های ساختاری و اصلاح سیاست‌های ناکارآمد ضمن

کاهش هزینه‌های معاملاتی، فرایندها را تسریع کرده و انگیزه‌های قاچاق را کاهش می‌دهد و از این طریق تاب‌آوری اقتصادی را تقویت می‌کند.

۳. یکی از محورهای اساسی در مقابله با قاچاق، استقرار نظام‌های نظارتی پیشرفته بر مرزها و مبادی رسمی است که با اهدافی مانند نظم‌بخشی به مبادلات تجاری، تقویت انضباط در نواحی ساحلی و دریایی و ارتقای کارایی نظارت دنبال می‌شود. اگرچه کنترل فیزیکی در برخی موارد اجتناب‌ناپذیر است، اما بهره‌گیری از فناوری‌های نوین الکترونیکی، با وجود هزینه‌های سرمایه‌گذاری اولیه، از منظر اثربخشی و کارایی، جایگاه برتری دارد و امکان سازگاری با تنوع جغرافیایی مرزها را فراهم می‌آورد. در چهارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به‌ویژه در بند ۱۱، سامان‌دهی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی در کنترل جریان‌های غیرقانونی و تقویت نظارت نهادی مورد تأکید قرار گرفته است که بیانگر نقش راهبردی این مناطق در بهینه‌سازی ساختارهای تجاری و مبارزه با قاچاق است.

۴. یکی از ارکان راهبردی در مهار قاچاق، توسعه و استقرار نظام‌های نظارتی مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته در مرزها و مبادی رسمی است که با هدف نظم‌دهی به جریان‌های تجاری، ارتقای انضباط در مناطق ساحلی و دریایی و افزایش کارایی کنترل‌ها دنبال می‌شود. هرچند کنترل‌های فیزیکی در برخی شرایط اجتناب‌ناپذیرند، اما فناوری‌های نوین الکترونیکی، با وجود نیاز به سرمایه‌گذاری‌های اولیه سنگین، از حیث اثربخشی و قابلیت انطباق با تنوع جغرافیایی مرزها، برتری محسوسی دارند. در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به‌ویژه بند ۱۱، سامان‌دهی مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، به‌عنوان ابزار کلیدی برای بهینه‌سازی ساختارهای نظارتی و مقابله نظام‌مند با جریان‌های غیرقانونی، تأکیدی راهبردی یافته است.

۵. ارتقای نقش مؤلفه‌های فرهنگی، پژوهشی و آماری به‌عنوان یکی از محورهای کلیدی در راهبرد جامع مقابله با قاچاق کالا و ارز، در قالب دو محور اساسی دنبال می‌شود: نخست، تقویت هم‌افزایی در اقدامات فرهنگی، تبلیغاتی و رسانه‌ای؛ دوم، توسعه زیرساخت‌های علمی و آماری برای پشتیبانی از تصمیم‌سازی راهبردی. این اهداف که در بندهای ۲۰ و ۲۱ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و مواد ۱۳ و ۱۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تأکید شده‌اند، با تأمین زیرساخت‌های دانشی و ایجاد انسجام نهادی، زمینه‌ساز بهینه‌سازی سیاست‌گذاری‌ها و تقویت اثربخشی رویکردهای پیشگیرانه و مقابله‌ای در این عرصه محسوب می‌شوند.

نتیجه

پدیده قاچاق کالا، به مثابه یکی از معضلات ساختاری و چندبعدی اقتصاد ایران، در بستر عواملی مانند ناکارآمدی نظام سیاست‌گذاری و تقنین، توسعه‌نیافتگی مزمن زیرساخت‌های مناطق مرزی، ناهنجاری‌های بازار کار از جمله بیکاری گسترده و شکاف‌های عمیق اقتصادی و ارزی، نهادینه شده است. این مسئله افزون بر تضعیف انگیزه‌های سرمایه‌گذاری مولد و تحدید ظرفیت‌های تولید ملی، به واسطه گسترش ناهماهنگی‌های مالی، تشدید فرآیندهای اقتصادی غیررسمی و تقویت مؤلفه‌های آسیب‌زا در عرصه اجتماعی، بر پایداری اقتصاد کلان و امنیت اقتصادی کشور اثرات جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارد. تحلیل‌های مبتنی بر نظریه داده‌بنیان و کدگذاری داده‌های کیفی استخراج‌شده از مصاحبه‌های تخصصی با خبرگان، حاکی از شناسایی علل بنیادین، پیامدهای فرابخشی و راهبردهای پیشگیرانه در مقابله با این پدیده است؛ به نحوی که دو مقوله محوری ناکارآمدی نظام سیاستی و قانونی و همچنین اختلالات ساختاری در اقتصاد و نظام مالی، به عنوان عوامل ریشه‌ای و گلوگاهی تداوم این پدیده مطرح شده‌اند. راهبردهای پیشنهادی، مشتمل بر تقویت زیرساخت‌های توسعه‌ای در مناطق مرزی، تسهیل‌گری نهادی در عرصه فضای کسب‌وکار از رهگذر اصلاحات عمیق در نظام تقنینی و اجرایی، بازطراحی معماری نظام بانکی و مالیاتی، ارتقای دیپلماسی اقتصادی با رویکرد کنش‌گرایانه و بهره‌گیری از مکانیسم‌های نظارتی پیشرفته و داده‌محور در مبادی رسمی، در امتداد اصول سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تدوین شده‌اند. این تدابیر با رویکردی نظام‌مند و چندوجهی، نه تنها امکان مواجهه مؤثر با ساختارهای تغذیه‌کننده قاچاق را فراهم می‌آورند، بلکه از طریق بهبود شاخص‌های کلیدی اقتصادی مانند اشتغال، سرمایه‌گذاری خارجی و داخلی و رشد پایدار، ظرفیت‌های تاب‌آوری و توسعه اقتصاد ملی را به نحو معناداری ارتقا می‌بخشند.

منابع

۱. ابراهیم‌زاده، محمدعلی و همکاران؛ «نقد و بررسی اختلاس و قاچاق کالا به‌عنوان مصادیق جرم پولشویی»، فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ ش ۱۳، تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۱-۲۵.
۲. ازکیا، مصطفی و یوسف راهنما؛ «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق سوخت»، علوم اجتماعی؛ ش ۲، تابستان ۱۳۸۷، ص ۳۵-۴۸.
۳. اصلالنی اسلمرز، عابد و همکاران؛ «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش مرزنشینان بانه‌ای به قاچاق: زمینه‌ها و راهکارها»، انتظام اجتماعی؛ ش ۷، تابستان ۱۳۹۴، ص ۳۳-۵۶.
۴. افراسیابی، مهران؛ «بررسی وضعیت اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی استان کرمان تحلیل بخش اقتصاد زیرزمینی (عوامل مؤثر، آثار و نتایج آن و ارائه پیشنهاد)»، مجله اقتصادی؛ ش ۲۷، بهمن و اسفند ۱۳۸۲، ص ۱۴-۱۹.
۵. پژویان، جمشید و مجید مداح؛ «بررسی اقتصادی قاچاق در ایران»، پژوهشنامه اقتصادی؛ ش ۶، بهار ۱۳۸۵، ص ۴۳-۷۰.
۶. توکلی، جلیل؛ «اثرات قاچاق کالا بر ناامنی اقتصادی و اجتماعی»، قانون‌یار؛ ش ۳، تابستان ۱۳۹۹، ص ۷-۲۴.
۷. خداداد کاشی، فرهاد و هانیه فیروزجنگ؛ «بررسی اثر قاچاق بر بهره‌وری صنعت نساجی ایران (۱۳۷۵-۱۳۸۷)»، پژوهشنامه اقتصادی؛ ش ۴۹، تیر ۱۳۹۲، ص ۴۹-۷۴.
۸. خضرزاده، اسعد و همکاران؛ «بررسی قاچاق کالا از مرزهای دریایی جنوب ایران»، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی؛ ش ۱۸، پاییز ۱۳۸۹، ص ۶۷-۸۴.
۹. سبزواری، میترا؛ «عمده‌ترین علل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی اجتماعی پدیده قاچاق»، بررسی‌های حقوقی؛ ش ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۶۳-۱۹۵.
۱۰. ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز؛ گزارش عملکرد سالانه قاچاق کالا و ارز؛ تهران: دبیرخانه ستاد، ۱۴۰۱.
۱۱. عبدالمحمدی، امیر؛ «مطالعه و بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قاچاق کالا در ایران»، نظم و امنیت انتظامی؛ ش ۱، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۷۹-۲۰۷.
۱۲. عیسوی، چارلز؛ تاریخ اقتصادی ایران (۱۸۰۰-۱۹۱۴)؛ ترجمه یعقوب آژند؛ تهران: انتشارات گسترش، ۱۳۶۲.
۱۳. قلی‌زاده، سیدابراهیم و همکاران؛ «علل و پیامدهای قاچاق کالا در ایران پس از انقلاب اسلامی»، دانش انتظامی؛ ش ۱۲، زمستان ۱۳۸۹، ص ۱۰۹-۱۴۲.

۱۴. کهنه‌پوشی، سیدهادی و حمید جلالیان؛ «تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی / مورد: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان»، جغرافیا و توسعه؛ ش ۱۱، پاییز ۱۳۹۲، ص ۷۴-۶۱.
۱۵. گلدوزیان، حسین و محمداحسان ابراهیمی؛ «نگاه تحلیلی به ممنوعیت عرضه کالای قاچاق»، بررسی‌های حقوقی؛ ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۴۵-۱۷۰.
۱۶. گمرک جمهوری اسلامی ایران؛ گزارش عملکرد تجارت خارجی سال ۱۴۰۱؛ تهران: دفتر فناوری اطلاعات گمرک، ۱۴۰۱.
۱۷. مداح، مجید؛ «علل و پیامدهای اقتصادی قاچاق کالا در ایران و راه‌های رویارویی با آن»، اطلاعات سیاسی اقتصادی؛ ش ۱ و ۲، مهر و آبان ۱۳۸۷، ص ۲۵۳-۲۵۴.
۱۸. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی؛ بررسی عوامل مؤثر بر قاچاق کالا و راهکارهای مقابله با آن (گزارش شماره ۱۶۰۱۸)؛ تهران: دفتر مطالعات اقتصادی، ۱۳۹۸.
۱۹. موسایی، میثم و گرشاسبی فخر، سعید؛ «بررسی رابطه بین بیکاری و قاچاق مواد مخدر در ایران»، مسائل اجتماعی ایران؛ ش ۲، زمستان ۱۳۹۸، ص ۱۴۵-۱۶۷.
20. Andreas, Peter; *Border Games: Policing the U.S.-Mexico Divide* 2nd ed.; Cornell University Press 2009.
21. Aregbeyen, Olasupo; «An Investigation of the Severity, Causes, Impact and Actions Against Counterfeiting and Smuggling in Nigeria»; *Mediterranean Journal of Social Sciences*; Vol. 3, No. 1, Spring 2012, pp. 379-392.
22. Bruwer, Christiaan; «Smuggling and Trafficking of Illicit Goods by Sea»; in: *Global Challenges in Maritime Security*; Springer, 2020, pp. 49-73.
23. Gatti, Roberta; *Corruption and Trade Tariffs, or for Uniform Tariffs*; *World Bank Policy Research Working Paper*; No. 2216, 2000.
24. Kim, Donghyun و Tajima, Yuhki; «Smuggling and Border Enforcement»; *International Organization*; Vol. 76, No. 4, Fall 2022, pp. 830-867.
25. Makarenko, T.; «Drugs in Central Asia: Security Implications and Political Manipulations»; *Cahiers d'Études sur la Méditerranée Orientale et le Monde Turco-Iranien*; No. 32, July 2001, pp. 87-115.

26. Naylor, R. Thomas; *Wages of Crime: Black Markets, Illegal Finance, and the Underworld Economy*; Cornell University Press 2004.
27. Norton, David A. G.; «On the Economic Theory of Smuggling»; *Economica*; Vol. 55, No. 217, February 1988, pp. 107–118.